

جهان نما

ترامپ مقصر را پیدا کرد؛ وکیل سر خود

مریم علامه زاده

رئیس جمهور ترامپ روز پنج‌شنبه (۲۲ آذرماه) با عصبانیت از محکومیت وکیل شخصی قدیمی و کارچاق کن خود، مایکل کوهن یاد کرد و گفت: او وکیل شخصی خوبی نبوده است چرا که او باید قوانین مالی کمپین انتخاباتی را می‌دانست و بر اساس آن عمل می‌کرد. آقای کوهن روز چهارشنبه، در دو پرونده جداگانه، در مجموع به سه سال زندان محکوم شد. محکومیتی که به دلیل همکاری با دادستان های دولتی از جمله ارائه جزئیات تلویحی در مورد فعالیت‌های مجرمانه ترامپ مشمول تخفیف شده بود. آقای کوهن پیش‌تر به دلیل جرایم فرار مالیاتی، کلاهبرداری بانکی و تخطی از قوانین مالی کمپین‌های انتخاباتی و دروغ گویی به کنگره، به محکومیت‌های شدیدتری دچار بود.

ترامپ گفته است وکیل سابقش به این جرایم اعتراف کرده تا او را شرم زده کند و در دوران زندانش تخفیف بگیرد.

ترامپ در رشته توثیت‌هایی تشریح کرد: کوهن به جرائمی غیر مرتبط به من آلوده بود. اما او به جرائمی با موضوع کمپین اعتراف کرد که واقعاً جرم نبودند و از لحاظ مدنی احتمالاً او برای آن‌ها مجرم نبود. در واقع او با چنین جرائمی موافقت نکرد تا رئیس جمهور را شرمسار کند و محکومیت زندان کمتری برای جرائمی که واقعاً مرتکب شده است دریافت کند. به ویژه آنکه خانواده او توانسته است به طور موثق از جنگ قانون یگریزد.

ترامپ همچنین گفت که با وجود اعترافات کوهن، ممکن است اتهاماتی متوجه خانواده وی شود؛ چیزهایی که دادستان‌ها به صورت عمومی آن‌ها را اعلام نکرده‌اند.



چند ماه متوالی رئیس‌جمهور به تحقیر کوهن پرداخت و وی را ضعیف خواند و آن دسته از دستیاران خود را که از همکاری با مقامات سر باز زده بودند، تحسین کرد. ترامپ البته اتهام تخطی از قوانین کمپین انتخاباتی را قیلا رد کرده بود. اتهامی که کوهن متهم به اطاعت از دستور ترامپ است و ترامپ صرفاً تخطی از قوانین مدنی می‌شمارد، و این هفته او گفت که کوهن به عنوان وکیلش باید قوانین مالی کمپین را می‌دانست و از موکلش دفاع می‌کرد و با گفتن این حرف‌ها ترامپ در واقع تلویحاً گفت که نقض قوانین تقصیر او نبوده است و او توجیه قانونی‌بدی دریافت کرده است.

ترامپ روز سه‌شنبه در اوال آفیس در مساحبه با روبریزر گفت: آقای کوهن وکیل است و من فکر می‌کنم می‌داند چه کاری انجام می‌دهد. و بعد روز پنج‌شنبه گفت: من هیچ‌وقت به مایکل کوهن نگفتم که قانون را زیر پا بگذارد. ترامپ در توئیتر نوشت: او یک وکیل بود و باید می‌دانست که قانون چه هست.

دادستان‌ها گفته‌اند: ترامپ به کوهن دستور داده بود که به دوزن برای سکوت رشوه بدهد تا از شهادت دادن در مورد رابطه نامشروع خود با ترامپ سر باز بزنند و او را در زمان انتخابات شرمسار نکنند. کوهن همچنین به دادستان‌ها گفته است که بین روسیه و کمپین انتخاباتی ترامپ، ائتلاف در سطح دولتی وجود داشته است. این ائتلاف در سال ۲۰۱۵، خیلی پیش از آنکه دادستان‌ها به آن بی‌اندیشند، آغاز شده بود.

البته کوهن قرارداد اعتراف و همکاری کامل منعقد نکرده است و عنوان کرد که نیازی به چنین قراردادی نیست. با این حال ترامپ اوایل ماه جاری میلادی در توئیترش گفت که احتمالاً همسر کوهن و پدرش با چندین مشکل قانونی مواجه باشند.

کوهن پیش از آنکه وکیل ترامپ شود وکیل جنایی بود و کسب و کار تاکسیرانی خود را از صدفه سودی پدر خانش به راه انداخته بود. پدر خانم وی او کرایینی بود و تجارت و تعاملات کوهن با روس‌ها و اوکرایینی‌ها پس از ازدواج وی با همسر او کرایینی‌اش آغاز شد.

صدای اعتراض جلیقه زردها همچنان در خیابان های پاریس به گوش می‌رسد

انقلاب‌های فرانسوی



سیدمحمد میرزامحمدزاده

بعد از چهار هفته تماشای آشوب در کف خیابان‌های پاریس، در نهایت امانوئل ماکرون تصمیم گرفت کاری کند. او بالاخره در یک سخنرانی تلوزیونی در روز دوشنبه (نوزدهم آذر ماه) از طرح‌هایی سخن گفت که تا حدی تسکین دهنده معترضان ژله‌زون یا جلیقه زردها باشد؛ کسانی که ابتدا در اعتراض به طرح افزایش بهای مالیات سوخت به خیابان ریختند و بعدها کار به جایی کشید که کناره‌گیری ماکرون از رهبری کشور را خواستار شدند.

امتیازاتی که ماکرون برای معترضان در نظر گرفت شامل لغو بی‌چون و چرای طرح افزایش مالیات سوخت، افزایش حداقل دستمزدها به میزان هفت درصد (حدود ۱۱۳ دلار در ماه) و قطع مالیات اضافه‌کاری‌ها و حقوق بازنشستگان می‌شد. امتیازاتی که به گفته مقامات، انتظار می‌رود، در مجموع، برای دولت بین هشت میلیارد و ۱۰۰ میلیون تا ۱۰ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار هزینه در پی داشته باشد.

امتیازات ناگهانی دولت برای معترضان، تأیید کننده تصویر عمومی فرانسه‌ای است که هیچ‌وقت انقلاب رادیکال ۱۷۸۹ خود را پشت‌سر نگذاشت، کشوری که تظاهرات و اعتراضات ماهیت ذاتی مردم‌ش را تشکیل می‌دهد، ملتی که حضور توده‌هایش تأثیر بسیار بیشتری بر

رهبر تحت فشار کشور دارد تا تأثیر جنبش‌های اجتماعی آمریکا بر سردمدارانش، به‌راستی که اعتراضات آمریکایی موسوم به اشغال وال استریت، یا جنبش تی پارتی، در مقایسه با جنبش جلیقه زردها، یک شکست تمام عیار به شمار می‌رود و هیچ‌وقت به چنین اهدافی دست

پیدا نکرد.
خب حالا این سوال پیش می‌آید که چرا معترضان فرانسوی اینقدر نسبت به همتایان آمریکایی خودبرش بیشتری دارند؟ مجله آمریکایی تایمز با یکی از تحلیل‌گران سیاسی ساکن پاریس به نام ادی فوزی و همچنین گرد رینر هورن، استاد تاریخ سیاسی در مرکز ساینس پو در پاریس در این مورد صحبت کرده است و از آن‌ها پرسیده است چرا چنین حالتی در فرانسه وجود دارد؟

آیا چیزی به اسم روحیه انقلابی فرانسوی به واقع وجود دارد؟

هورن در این رابطه می‌گوید: بله، حمایت گسترده عمومی که از جنبش جلیقه زردها انجام شد و بر اساس آخرین نظرسنجی ها ۶۸ درصد مردم با آن‌ها همراهی می‌کنند، بیانگر این است که جامعه فرانسه نسبت به حرکات رادیکال دید بازی دارند. وقتی در آمریکا چنین اعتراضاتی شروع می‌شود، واکنش‌گریزی بیشتر مردم نوعی تردید یا حتی تنفر است. در فرانسه اما، بی‌میلی کمتری نسبت به این ماجرا وجود دارد و شما بارو حیه مشترک اعتراضی بین جوامع مختلف

مواجه هستید.
دانش‌آموزان و کشاورزان هم از جلیقه‌زردها انگیزه گرفتند و تظاهرات خود را شروع کردند، اعتراضاتی که در واقع بازتاب حوادث دوران اعتراضات معروف ماه می در سال ۱۹۶۸ میلادی بود. در آن دوران شورش‌های دانشجویان علیه شیوع کاپیتالیسم و ارزش‌های محافظه‌کارانه در زندگی عمومی به کار خنجانت و طبقه کارگر نفوذ پیدا کرد و اقتصاد کشور را برای چندین هفته فلج کرد.

دقیقاً مشخص نیست که چرا فرانسویان عاشق اعتراض هستند. اما فوزی می‌گوید که این بخشی از فرهنگ منازعه ملی است که به انقلاب کبیر ۱۷۸۹ برمی‌گردد. زمانی که نیروهای جمهوری خواه به رویارویی با سلطنت‌طلبان پرداختند تا سلطنت فرانسه منقر را براندازی کنند. فوزی می‌افزاید: در واقع ما دوست داریم انقلاب فرانسه را دوباره و دوباره تکرار کنیم، همیشه مسائل را با حرارت به مباحثه می‌گذاریم انگار در جنگی دائمی، جنگ داخلی صلح‌آمیز برای آنچه که کشورمان باید باشد هستیم.

آیا اعتراضات فرانسه همیشه جواب می‌دهد؟

نه همیشه. اعتراضات چندین ماهه کارگران راه‌آهن که تابستان امسال رخ داد، نتوانست منجر به توقف برنامه بازسازی سیستم ریلی فرانسه که ماکرون طرح آن را داده بود، شود. همچنین تظاهرات

در حالی که نظام متکی به ریاست جمهوری در همه جهان به عنوان دموکرات ترین نظام شناخته می‌شود، این سیستم در فرانسه با نام مستعار سلطنت جمهوری معرفی می‌شود

گسترده مردم در سال ۲۰۱۶، در زمان فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور پیشین فرانسه، نتوانست منجر به توقف برنامه اصلاحات کارگری شود. و نه حتی اعتراضات سراسری برای مقابله با افزایش سن بازنشستگی در سال ۲۰۱۰ نتوانست نیکولای ساراگوزی رئیس‌جمهور اسبق را از تصمیم خود منصرف کند.

با همه این احوال، هورن می‌گوید: اعتراضات فرانسه نرخ موفقیت بیشتری نسبت به اعتراضات آمریکا دارد. برای مثال اعتراضات کشاورزی همواره منجر به اعطای امتیازات به جامعه کشاورزی شده است. در سال ۲۰۰۹، اعتراضات ماهیگران و بستن بندر کاله به دنبال محدودیت‌های اتحادیه اروپا بر این صنعت، منجر به اعطای وام ۶۶ میلیون دلاری دولتی شد. اعتراضات در فرانسه همچنین باعث محدودیت توانایی مقامات این کشور برای تغییر فضای کاری شده؛ در سال ۲۰۰۶ دولت مجبور شد دست از سیاستی که برای اعمال

محدودیت برای جوانانی که در اعتراضات خشونت‌آمیز خیابانی شرکت می‌کردند، بردارد. علاوه بر این، حتی وقتی هم که اعتراضات با شکست مواجه می‌شوند، فرهنگ اعتراضی فرانسه مسیر را برای تصویب قوانین بحث‌برانگیز سخت‌تر و کندتر می‌کند و رئیس‌جمهور را مجبور به پرداخت هزینه ناراحت کردن عوام می‌کند. (محبوبیت عمومی ماکرون تا ۲۱ درصد افت کرد و ساراگوزی نیز انتخابات را در دومین دور ریاست‌جمهوری واگذار کرد و اولاند هم که می‌دانست اوضاع از چه قرار است، اصلاً برای دور دوم اعلام کاندیداتوری نکرد.)

چرا اعتراضات فرانسه تأثیر قوی‌تری روی سیاست دارد؟

بر اساس نظر هورن، برتری مهم اعتراضات فرانسه به دلیل آرایش مجلس فرانسه است. ۹ حزب مختلف در مجلس سفلی فرانسه کرسی دارند. هورن می‌گوید: پس شما قانون‌گذارانی از احزاب مختلف دارید، که گوش جان سپرده‌اند به مردم، کسانی که دوست دارند، حرف معترضان را از کف خیابان ترجمه کنند و به گوش سالن‌های مجلس برسانند. انتخابات سال ۲۰۱۷ منجر به شنیدن دوباره صدای مردم در مجلس شد، هر چند این صدا با جنبش موسوم به آن‌مارش ماکرون میانه‌رو متفاوت بود، اما دو حزب حاکم فرانسه یعنی جمهوری خواهان و سوشالیست‌ها را برانداخت.

مخالفان اصلی ماکرون از حزب راست‌افراطی موسوم به اجتماع ملی (که پیش‌تر با نام جبهه ملی شناخته می‌شد) و همچنین حزب چپ‌گرای افراطی فرانسه تسلیم‌ناپذیر، می‌آیند. دو حزبی که بسیار متمایل بودند خود را مدافع معترضین جلیقه زرد معرفی کنند. در مقابل، نظام دو حزبی سفت و سخت آمریکا منجر به آن شده که جمهوری خواهان و دموکرات‌ها برای بیش از یک سده، مجلس نمایندگان و سنای این کشور را به نام خود زنند. هر چند که شاید برخی قانون‌گذاران مستقل، مسئله خاصی را بر خلاف مواضع این دو حزب دنبال کنند اما کمتر کسی حاضر می‌شود شغل خود را در معرض اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی قرار دهد و به جنبش‌های اعتراضی بپیوندد؛ بنابراین جنبش‌های اعتراضی آمریکاییان در میانه راه همواره دود هوامی‌شود؛ چرا که هیچ‌کسی از

علاوه بر این، حتی وقتی هم که اعتراضات با شکست مواجه می‌شوند، فرهنگ اعتراضی فرانسه مسیر را برای تصویب قوانین بحث‌برانگیز سخت‌تر و کندتر می‌کند و رئیس‌جمهور را مجبور به پرداخت هزینه ناراحت کردن عوام می‌کند

افراد در رأس قدرت سخنگویی آن‌هانست.

از نظر فوزی اعتراضات در آمریکا بیشتر در مباحث سیاسی اثر گذار است تا خود سیاست‌مداران. به گفته او در هر دو مسئله تی پارتی و اشغال وال استریت، شاهد بودیم که مباحث معترضان و نکاتشان بر مباحث سیاسی اثر داشت؛ نه بر خود سیاست.
چرا معترضان فرانسوی اینقدر بر رئیس‌جمهور فشار می‌آورند؟
فوزی عنوان می‌کند امتیازاتی همچون امتیازات ماکرون که این هفته اعطا شد، احتمالاً به دلیل تمرکز بیش از حد قدرت سیاسی در ریاست‌جمهوری فرانسه است. در طول قرن بیستم میلادی، اصلاحاتی که برای ایجاد یک رهبر قدرتمند در فرانسه انجام شد، پاسخ‌گویی کمتر رئیس‌جمهور را به مجلس به ارمغان آورد. (به طور مثال نمی‌توان رئیس‌جمهور را به وسیله مجلس استیضاح کرد) و وی قادر است سیاست‌هایش را بدون مشورت با قانون‌گذاران اعلام کند. (برای همین ناگهان تصمیم گرفت حداقل دستمزدها را افزایش دهد.) در حالی که نظام متکی به ریاست‌جمهوری در همه جهان به عنوان دموکرات‌ترین نظام شناخته می‌شود، این سیستم در فرانسه با نام مستعار سلطنت جمهوری معرفی می‌شود.

وقتی قدرت اینقدر متمرکز باشد، جنبش‌های اعتراضی نیز می‌دانند که باید چه‌کسی را هدف بگیرند. آن‌ها می‌دانند که چه کسی می‌تواند مشکلات آن‌ها را حل کند. در واقع به گفته فوزی این شکننده‌ترین نظام ممکن است؛ چرا که رئیس‌جمهور می‌داند که فقط خودش می‌تواند پاسخ معترضان را بدهد؛ و اگر او می‌خواهد محبوبیت خود را حفظ کند، باید اینکار را انجام دهد.



بازداشت مدیر مالی هوآوی، خانم منگ وانژو، در اوایل ماه جاری در کانادا به تنش‌های دو طرف دامن زد و چین دو کشور آمریکا و کانادا را به عواقب وحشتناک تهدید کرد.

هر چند که هم‌اکنون منگ با قید وثیقه از بازداشت آزاد شده است اما مقامات چین از بازداشت دو شهروند کانادایی خبر دادند که ظاهراً انتقامی در قبال بازداشت منگ به شمار می‌رود.

مقامات آمریکایی را نگران کرده است که مبادا گوش‌های هوشمند و فناوری چینی بتواند برای جاسوسی در ایالات متحده استفاده شود، نگرانی که از سوی دیگر کشورها هم بارها مطرح شده است.

شاید امنیت سایبری نتوانست آنقدر فشار بیاورد که بین صنایع دو کشور فاصله بیندازد، اما آمریکا و چین به دلیل مسائل تجاری در سال اخیر در جنگی تمام عیار قرار گرفته‌اند.